



اشاره:

در سال‌های اخیر آنچه که توسط عالمان دین و آگاهان عرصه فرهنگ، بارها و بارها هشدار داده شده، ورود تحریفات و دروغ‌ها، به ویژه توسط برخی مداحان و سخنرانان کم‌سواد و کم‌مطالعه است. در این زمینه شاید کمتر کسی، هم‌چون استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری (ره) سخن رانده باشد. کسی که در اوج شجاعت و صراحت، یک تنه، در زمانی که منابر و مجالس روضه و عزاء، در تحریف‌ها و دروغ‌ها، غوطه‌ور بود به جنگ با جهل و نادانی و غرور روزی‌های عامدانه و آگاهانه دشمنان دوست‌خمار رفت. آنچه پیش روی شماست، نوشتاری کوتاه است با دغدغه‌هایی از جنس مبارزه سخت، اما شدنی با برخی سخنرانان، مداحان و روایانی که به عاشورای حسینی و جنگ هشت ساله، دروغ وارد می‌سازند.

# دروغ و تحریف

وصله‌های ناجور برای عاشورا و جنگ



فیلم سینمایی «اسکندر» در سال ۲۰۰۴ توسط کمپانی صهیونیستی هالیوود، یعنی «ایتر نشنال مدیا»، با کارگردانی «اولیور استون» فیلم‌ساز مشهور آمریکایی ساخته شد. شاید کسانی که فیلم را دیده‌اند، به خوبی به اغراض و هدف‌های پنهانی فیلم، پی برده باشند. این فیلم که گریزی به زندگی «اسکندر مقدونی» در سه قرن قبل از میلاد می‌باشد، بر آن است تا به شکلی، الگوسازی و اسطوره‌سازی را برای جهانی شدن و تحقق دهکده واحد جهانی مک لوهان تأمین نماید: اگر چه مقدمه سازی روانی جامعه بین‌الملل برای حمله غرب به ایران نیز از لایه‌های زیرین فیلم به خوبی دریافت می‌شود. بازگر اصلی فیلم، یعنی «کلن فارل» - که شباهت بسیار زیادی به «جرج بوش» رئیس جمهور آمریکا دارد - در جای جای فیلم، در آرزوی فتح سرزمین آرزوهایش، یعنی ایران است و در این مسیر، اسطوره‌ای شکست‌ناپذیر و اسوه‌ای خستگی‌ناپذیر نشان داده می‌شود که لحظه لحظه عمرش را در پناه یاری‌ها و عنایت‌های «عقاب» آسمان‌هاست! این فیلم علاوه بر ارایه الگوی «جهان‌گشایی»، اگر چه در تطهیر شخصیت جنایتکار فاسدالاخلاقی همچون «اسکندر مقدونی» می‌کوشد، اما بیشتر بر آن است تا به

**گذر زمان و مجموعه عوامل مؤثر در ایجاد تحریف و دروغ، و صله‌هایی ناچور و نازیبا را نیز بر تابلوی درخشان و زیبای عاشورا ایجا کرده است.**

فرهنگ‌ها و اندیشه‌های باطل برای حق جلوه دادن خود و سیاست‌های‌شان، نیازمند جعل و آفرینش اسطوره‌ها و الگوهای دروغین و خیالی هستند. این رویه نه تنها در حکومت‌های غیر اسلامی، بلکه توسط حکومت‌های به ظاهر اسلامی، همچون بنی‌امیه و بنی‌عباس نیز دنبال شده است، تا از حکومت غاصبانه و ظالمانه خود چهره‌ای موجه نشان دهند. آنچه که عامل اصلی جعل و تحریف حادثه‌ها و ساختن اسطوره‌هاست، عاملی است که قسمتی از آن به جامعه باز می‌گردد و قسمتی از آن متوجه صاحبان منفعت و سود است.

جوامع و توده‌ها به صورت طبیعی به اسطوره‌ها و اسوه‌ها تمایل دارند و برای آن که آنها را منطبق با شخصیت و سلیقه‌های درونی خود بسازند، درباره الگوها اقدام به افسانه‌سازی و داستان‌پردازی‌های غیر واقعی می‌کنند. این خود قسمت عمده‌ای از آغاز تحریف‌ها و دروغ‌ها است.

از سوی دیگر صاحبان منفعت و سود - که به اسطوره سازی می‌پردازند - دو گروه هستند: گروه اول دشمنان الگوها که در پی انحراف افکار عمومی برای تبرئه خود هستند و به زمین‌سازی برای مقابله با الگوها، راه و هدف آنها نیازمندند. گروه دوم، به ظاهر پیروان و ستایشگران الگوها هستند. که از انتساب خود به الگوها و ستایشگری آنان، نان و بهرهای می‌برند و به شکلی با الگوها و نام آنها کسب و تجارت می‌کنند. و در این میان نیز کسانی وجود دارند که با بهره‌گیری از جهل مخاطب، در پی بازار گرمی و مجلس گرمی خود هستند. بر این اساس برخی صاحبان سخن در پی جلب رضایت شنوندگان می‌آیند، بی آن که به دروغ بودن یا حقیقت داشتن عناوین سخن خود توجهی داشته باشند. این شکل از ارایه سخن، یکی از ناپسندترین و زشت‌ترین انواع سخنرانی و بیان سخن است. استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری (ره) در این باره می‌گویند:

**در کمتر فرهنگ و اندیشه‌ای تا این اندازه اسوه و الگوی درخشان وجود دارد، تا آنجا که فقط مطالعه و شناسایی و بررسی زندگی این اسوه‌ها، عمری فراتر از عمر طبیعی یک انسان را می‌طلبد.**

«اگر بنا باشد به مصداق «و توفیقهم علی ما اراد من مصلحه دینهم و دنیا هم» مصلحت‌گویی بشود، باید بدانیم که مصلحت‌گویی غیر از مزاج‌گویی است، غیر از اینست که چیزی بگوئیم که مردم خوششان بیاید و ما را تحسین کنند و بعبه بگویند. هیچ می‌دانید چرا مردم با پیغمبران زمان خودشان مخالف بوده‌اند؟ چرا هر پیغمبری که پیدا می‌شود، زیاد مخالف پیدا

انسان قرن ۲۱ و در آستانه «گلوبالیزاسیون» و «جهانی شدن» الگویی را ارایه دهد که آرزوی دیرینه انسان غرب را، در سیطره بر کل عالم، برآورده سازد. آنگاه از تاریخ به خوبی می‌دانند که غربیان به ویژه رومیان همواره در آرزوی انتقام‌گیری از فتح غرب توسط ایرانیان در ۲۵ قرن پیش بوده و هستند و تنها در طول تاریخ یک بار موفق به فتح کامل ایران شده‌اند. آنان در پی تحقق یافتن دوباره این آرزو همه امکانات تبلیغی و رسانه‌ای را به کار بسته‌اند تا در جنگ آخر الزمان یک بار دیگر

به فتح کامل برترین سرزمین شرق، یعنی ایران دست یابند. تحقق این آرزو و انسجام همه نیروها و کشورها، نیازمند اسطوره‌هاست، حتی اگر این اسطوره‌ها به دروغ آفریده شوند. نقطه مقابل «گلوبالیزاسیون» - که در پی «مدرنیزاسیون» در غرب پدید آمده - امت واحده جهانی است که به دست‌ان توانمند حضرت بقیه الله (عج) تحقق خواهد یافت، اما آیا ما نیز همچون دول و ملل سرزمین‌های غرب، به اسطوره‌های دروغین، خیالی، و ساخته شده در ذهن نیازمندیم؟

اگر به فهرست اسوه‌ها و الگوهای اسلامی و به ویژه شیعی نظری بیفکنیم، در خواهیم یافت که در کمتر فرهنگ و اندیشه‌ای تا این اندازه اسوه و الگوی درخشان وجود دارد، تا آنجا که فقط مطالعه و شناسایی و بررسی زندگی این اسوه‌ها، عمری فراتر از عمر طبیعی یک انسان را می‌طلبد.



می‌کنند؟ چرا پیغمبرها در زمان خودشان از ما آخوندها کمتر مرید داشته‌اند؟ این قضیه رمزی دارد، رمزش این است که آنها با نقاط ضعف مردم مبارزه می‌کردند و ما از نقاط ضعف مردم بهره‌برداری می‌کنیم، آنها می‌خواستند آن معایب و آن نقاط ضعف را اصلاح کنند و از بین ببرند و ما معمولاً می‌خواهیم از همان معایب و همان نقاط ضعف بهره‌برداری کنیم، برای این‌که با نی مجلس رازاضی کنیم، برای این‌که مستمعین رازاضی کنیم، مطابق میلشان حرف می‌زنیم، نه مطابق مصلحت‌شان، ما می‌فهمیم فلان قضیه دروغ است و بعلاوه سبب گمراهی و ضلالت و غرور بی‌جای مردم می‌شود؛ اما چون فکر می‌کنیم اگر بگوئیم، نظر مستمعین را جلب می‌کنیم، می‌گوئیم و خواب‌های دروغ نقل می‌کنیم، مثلاً «با این‌که می‌دانیم این حکایت افسانه است و افسانه‌سازها ساخته‌اند، نقل می‌کنیم که فلان نصرانی گنه‌کار بود، چنین و چنان کرده بود.»

این دو گروه که دو لبه بران، برای قطع شاخه حقیقت هستند، از اصلی‌ترین عوامل تحریف و دروغ آفرینی حادثه‌ها و اسو‌ها به شمار می‌روند که در کنار عوامل اجتماعی و تمایل توده‌ها به افسانه‌پردازی برای حادثه و الگو، کجی‌ها و دروغ‌هایی را می‌آفرینند که با گذر زمان هدف و اصل حادثه زوایای بسیار دور از اصل حقیقت پیدا می‌کند.

در حادثه کربلا و شهادت حسین بن علی علیه السلام، آنچه که زوایای حادثه را تا اندازه‌ای، نسبت به حوادث دیگر در تاریخ، ماندگار و ثبت نمود، عواملی بود که با تلاش و هدف - چه از سوی دوستان و چه از سوی دشمنان - نسبت به وقایع و حوادث دیگر اهل بیت علیهم السلام، بیشتر و کاملتر حفظ شد. مجموعه این عوامل چنین هستند:

۱. اعراب از دیر زمان به ثبت افتخارات و دلیرمردی‌ها و شجاعت‌هایشان در جنگ‌ها، اهتمام می‌ورزیدند. از همین رو در جنگ‌ها و حادثه‌ها، شاعران و خبرنگاران تندنویسی حاضر بودند که رجزها، حماسه‌ها و دلیری‌های طرفین را به دقت ثبت می‌کردند. در عاشورا نیز این خبرنگاران و وقایع‌نگاران حاضر بودند.

۲. کوفیان با وعده‌های مادی و پاداش‌های بعد از جنگ در کربلا حاضر شده بودند. این زیاد در آغاز پاداش افراد را به صورت کامل پرداخت نمی‌کرد، بلکه پرداخت نیم دیگر پاداش را به پایان جنگ موکول می‌نمود. از هم این رو کوفیان در ثبت جنگ‌آوری‌ها، خوش خدمتی‌ها، صحنه‌ها و فجایع هر دو طرف، به ویژه شجاعت و دلیری سپاهیان امام حسین علیه السلام می‌کوشیدند تا در آینده با اریه سند و مدرک به این زیاد نشان دهند که در مقابل چه شجاعان دلیرمردی جنگیده‌اند و با ذکر آن، پاداش بیشتری را نصیب خود سازند. در حقیقت در این عامل، «عدو سبب خیر شد.» و در تاریخ زوایای مهمی از عاشورا تا اندازه‌ای حفظ شدند. اگرچه این گزارش‌های حین جنگ، در کمتر از یک دهه بعد، در قیام مختار ثقفی، بالای‌جان سپاهیان کوفه شد.

۳. ذکر حادثه کربلا و فجایع و مصیبت‌های جان‌خراش و سوزناک آن توسط اهل بیت عصمت و طهارت و همچنین شاعران و مدّاحان ستایشگران راستین آل‌الله به عنوان ابزاری تبلیغی به کار گرفته شد و پس از گذشت چند سال از واقعه، ذکر مصیبت عاشورا و بیان شعرها و رجزهای آن و آموزش آن به کودکان در میان شیعیان به عنوان یک فرهنگ درآمد و قرن‌های قرن و تاکنون ادامه یافت.

۴. بزرگی فاجعه و دهشتناکی حادثه کربلا تا آن اندازه بود که توجه همه مورخان و سیاستمداران دنیای آن روز را به خود جلب کرد. تا آنجا که مسیحیان در باورشان نمی‌گنجید که پس از ۵۰ سال، مسلمانان پسر پیامبر خود را به بدترین شکل به قتل برسانند. مسیحیانی که پس از ۷۰۰ سال از عروج عیسی علیه السلام، نعل استر او را در مقدس‌ترین کلیسای خود نگاه می‌داشتند!

۵. در هیچ یک از فرازهای تاریخی، همه سیاهی‌ها و قدرت باطل و امکانات و نیروهای آن، در مقابل نورانیت حقیقت حق، این چنین صف‌آزایی نکرده و از این جهت حادثه کربلا در کل تاریخ بشریت بی‌نظیر است. این عوامل زوایای ریز و درشت حادثه خونین و پر حماسه عاشورا را حفظ کرد، اما گذر زمان و مجموعه عوامل مؤثر در ایجاد تحریف و دروغ، و صلح‌هایی ناجور و نازیبارانیز بر تابلوی درخشان و زیبای عاشورا ایجاد کرده است. اگر نظری کوتاه به فهرست دروغ‌ها و تحریف‌های موجود در این حادثه داشته باشیم، در خواهیم یافت که حجم عظیمی از این تحریف‌ها، هیچ تناسب و سنخیتی با مکتب سراسر عقل و منطق و منطبق با وحی و شیعه نداشته و ندارد:

۱. عروسی قاسم در ظهر عاشورا و برپایی حجله عروسی توسط امام حسین علیه السلام،  
توصیف نوکران و کنیزان خیام امام حسین علیه السلام و تخت زرین حضرت و کوبه ایشان، ۳.

پریشان کردن موی و نالان شدن ام‌لیلا هنگام به میدان رفتن علی اکبر علیه السلام، ۴. نذر ریحان کاری در بیابان نم بزرع توسط لیلا برای سلامتی علی اکبر علیه السلام، ۵. جمع‌آوری خارهای بیابان توسط امام حسین علیه السلام در شب عاشورا برای آسیب ندیدن پای دختران، ۶. آمدن جعفر جنی و لشکر جتیبان به نزد امام علیه السلام، ۷. درخواست آوردن اسب برای امام حسین علیه السلام از حضرت زینب علیها السلام، ۸. آمدن حضرت زهرا علیها السلام (در هنگام بریده شدن سر سید الشهداء و شنیدن صدای آن حضرت توسط شمر، ۹. گرفتن حضرت عباس بن علی توسط حضرت زهرا علیها السلام، در هنگام سقوط از اسب، ۱۰. ذکر شمشیرهای خیالی با اندازه‌های عجیب برای سید الشهداء، ۱۱. ذکر افرادی که در کربلا اصلاً حضور نداشته یا در سال‌های پیش از واقعه از دنیا رفته‌اند،

۱۲. ذکر آمار و ارقام غیر واقعی از کشته شدگان

سپاه کوفه توسط سید الشهداء علیه السلام (۳۰۰ هزار نفر) و عباس بن علی (۲۵۰ هزار نفر) و جمعاً یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر، ۱۳.

عزاز و سیاهپوش دانستن حضرات

ائم علیهم السلام در آن عالم و بر سر و سینه‌زدن

آنها، ۱۴. بی‌دست و سر ماندن سید

الشهداء علیهم السلام و عباس بن علی علیه السلام در

حال برزخ (نظیر این مسئله درباره

دست به پهلو بودن حضرت

صدیقه طاهره علیها السلام) نیز در



بیان خواب‌ها، گفته می‌شود، ۱۵. بخشش گناهان

افراد ناصبی، کافر، ضد دین و فاسد توسط

امام حسین علیه السلام و یا حضرت عباس علیه السلام

و عنایت‌های ویژه آنان به این افراد،

بدون هیچ سابقه اعتقادی، ۱۶. سر

شکستن حضرت زینب علیها السلام در

محمل با دیدن سر برادر و توجیه

برای قمزنی؛ تنها گوشه‌ای از

خروارها خروار دروغ و تحریفاتی

است که اصالت و حقیقت قیام

عاشورا و حرکت آرمان‌خواهانه

و سراسر حق مدارانه سید الشهداء

را مشوش و مخدوش می‌نماید.

گسترش و ترویج این تحریفات شاید

از آن روست که ستایشگران و مداحان و

سخنرانان و خطیبان این روزگار، به دو اصل

بنیادین و مهمی که میرزا حسین نوری (قدس سره)

صاحب کتاب «لولوء و مرجان» و استاد محدث کبیر حاج شیخ عباس

قمی، به آن تأکید فرموده‌اند، کمتر توجه می‌کنند.

«اخلاص» و «صدافت» دو عنصری است که همه کسانی که

پرچمدار و طلایه‌دار تبلیغ و گسترش راه حسینی هستند، باید در خود

داشته باشند، دو عنصری که موتور محرکه قیام حضرت و رمز ماندگاری

حرکت ایشان بود.

قسمت عمل‌های از این تحریف‌ها،

ناشی از آن است که نویسندگان

مخدوشی چون کاشفی صاحب روضه

الشهداء (متوفای ۹۱۰ هجری) پیش از

آن که با دید حقیقت‌طلبانه و منطقی به

اصل حادثه توجه داشته باشند، به دنبال

روایت‌گری محض براساس شنیده‌ها یا

تحریک احساسات و عوطف بوده‌اند.

نظیر این‌گونه تحریف‌ها و

افسانه‌پردازی‌ها در نقل حادثه‌های جنگ هشت ساله نیز در حال رخ

دادن است. تا آن جا که احادیث و روایاتی عجیب و غریب نیز درباره

سرزمین‌ها و مناطق عملیاتی، توسط برخی راویان و سخنرانان ذکر و نقل

می‌شود. خواندن نماز با چغیبه‌های آغشته به خون شهیدان یا جانبازان

در حال حاضر، شباهت رساندن خاک جبهه هم‌چون خاک کربلا و

برداشتن آن برای مهر نماز، خوردن خاک محل شهادت شهدها و برداشتن

کام کودک با آن، کربلا پنداشتن مناطق و خواندن نماز جمع آن‌چنان که

در حرم سید الشهداء می‌خوانند، نقل حدیثی از امیر المومنین علیه السلام درباره

شلمچه و خواندن نماز توسط ایشان در شلمچه و ذکر وقایع جنگ آخر

الزمان و عدد کشته‌های جنگ میان ایران و عراق، نقل حدیثی از امام

رضاء علیه السلام برای گودال شلمچه و خواباندن شترشان در آنجا، ارایه آمارهای

افسانه‌ای برای شهادت گروهی و جمعی از افراد در مکان‌های خاص،

ذکر وقایع خاص و قدیس‌سازی از شهیدان و آسمانی جلوه دادن آنها

در دوران حیات‌شان، ذکر خواب‌ها و حادثه‌های غیر واقعی نظیر توصیه

شهید همت بر خواندن نماز با مهری که از خاک طلایه است (این

خواب توسط یک مهر ساز جنوبی دیده شده است) ۱۷. گوشه‌ای از

صدها خبر ضعیف، افسانه، دروغ و تحریفی است که این روزها در

حال گفته شدن است.

با این‌که به خوبی می‌دانیم، خواندن نماز به قصد

تقرب بر هر خاکی، نماز را دچار اشکال می‌سازد به

غیر از خاک کربلا؛ نماز کامل را علاوه بر وطن،

در اماکن متبرکه چهارگانه: مسجد الحرام، مسجد

النبی، مسجد کوفه و حرم سید الشهداء در کربلا

می‌توان خواند؛ خوردن خاک به هر شکلی، چه

مخلوط با آب و چه به صورت خالص حرام

است، حتی اگر خاک مسجد الحرام باشد، به جز

تربت کربلا؛ خون همه انسان‌ها نجس است و

با لباس آغشته به خون بیشتر از اندازه یک درهم

نمی‌توان نماز خواند، حتی اگر خون شهید باشد؛

حدیث‌ها و روایت‌ها باید سند و مدرک قوی داشته

باشند و صرف شنیدن از یک مدّاح یا متبری و میان‌دار

هیئت و محفل، نمی‌تواند مجوزی برای نقل آن باشد. شهیدان

انسان‌هایی معمولی و با اخلاص بودند که با خودسازی و تلاش به

درجات عالی از معنویت رسیدند و هیچ نیازی نیست از آنان انسان‌هایی قدیس

و غیر قابل دسترس برای نسل امروز به تصویر کشیم؛ با این حال که بر این

نکته‌ها واقفیم و از احکام شرع مقدس اسلام آگاهیم و می‌دانیم که شهیدان

برای اجرای احکام و تحقق دین خدا خون خود را هدیه کرده‌اند، اما جای

تأسف است که شاهد بیان اخبار ضعیف و نادرست و گسترش تحریف‌ها و

دروغ‌هایی از این دست در میان مردم باشیم.

در بیان حادثه‌های شکوهمند و حادثه‌های پرافتخار و واقعه‌های خونبار،

نیازی به آن نیست که بگوییم جان‌باختگان حادثه چگونه کشته شدند. کشتارها

و فجایع در تاریخ بسیارند، مهم این نکته است که بدانیم «چه کسانی را کشتند؟

و برای چه کشتند؟» اگر بخواهیم راه و مرام اصلی سید شهیدان، حسین بن

علی علیه السلام و همه شهیدان راه اسلام - که همان احیای کلمه الله و احکام قرآن در

قالب فقه آل محمد (ص) است - سرزننده و بالنده و همچنان پایدار بماند و

پرچم پرافتخار نهضت آسمانی‌شان در اهتزاز باشد، هیچ نیازی به اسطوره‌سازی

و افسانه‌پردازی نیست.

خورشید و جودی حق طلبان عاشورایی، آن‌چنان درخشان و نورانی است

که نیازمند هیچ رنگ‌آمیزی و اضافات به واقعه پر حماسه و نستوه‌شان نیست.

حقانیت و مظلومیت اصحاب عاشورایی از ۱۴ قرن گذشته تاکنون، آن قدر

روشن و شفاف است که نیاز به هیچ افسانه و دروغی ندارد و این پندار که برای

تحقق آرزوهایش نیازمند اسطوره‌های خیالی و افسانه‌ای می‌باشد، باطل است.

نقطه مقابل «گلوبازسیون» و «دهکده جهانی» غرب، حماسه «امت واحده

جهانی» و دولت کریمه حضرت بقیه الله الاعظم (عج) است که با اسوه‌ها و

الگوهای عاشورایی از جنس مردان ۱۵ خرداد و ۲۲ بهمن در حال خلق شدن

است. حماسه‌ای که در عراق و جنوب لبنان و فلسطین و سایر کشورهای

اسلامی، جلوه‌های آن آشکار شده است و تا وقتی که گنجینه‌های پایان‌ناپذیر

از زیباترین اسوه‌ها را در اختیار داریم، از خلق اسطوره‌های دروغین، خیالی و

ساخته شده ذهن، بی‌نیازیم.

#### بی‌نوشت

۱. الی ۱۶. کلیه اسناد آن در نشریه موجود است. خوانندگان می‌توانند جهت اطلاع بیشتر به کتاب

حماسه حسینی، اثر استاد شهید آیت الله مطهری، مراجعه نمایند.

۱۷. مجموعه مشاهدات و شنبه‌هایی در مناطق جنگی جنوب، نوروز ۱۳۸۴.

